

آندره میکل
André Miquel
ادبیات عرب

ترجمه :
دکتر بهزاد هاشمی
دکتر سید بابک فرزانه



سرشناسه	: میکل، آندره
عنوان و نام پدیدآور	Miquel, Andre : ادبیات عرب / نویسنده آندره میکل؛ مترجمان بهزاد هاشمی، سید بابک فرزانه؛ ویراستار نعیمه درویشی.
مشخصات نشر	: تهران: سخن، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۰-۰۸۲-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: La Littérature arabe, 1969
موضوع	: ادبیات عرب - تاریخ و نقد Arabic Literature - History and criticism
شناسه افزوده	: هاشمی، بهزاد، ۱۳۴۶ - مترجم
شناسه افزوده	: فرزانه، سید بابک، ۱۳۴۳ - مترجم
رده‌بندی کنگره	: PJA۲۰۵۳
رده‌بندی دیویی	: ۸۹۲/۷۰۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۵۰۷۹۴

ادبیات عرب

ادبیات عرب

آندره میکل

ترجمه:

دکتر بهزاد هاشمی

دکتر سید بابک فرزانه



انتشارات سخن



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۴۸

فکس: ۶۶۴۰۵۰۶۲

www.sokhanpub.net

E.mail: Sokhanpub@yahoo.com

[Instagram.com/sokhanpublication](https://www.instagram.com/sokhanpublication)

[Instagram.com/sokhanenow](https://www.instagram.com/sokhanenow)

[Telegram.me/sokhanpub](https://t.me/sokhanpub)

ادبیات عرب

نویسنده: آندره میکِل

ترجمه:

دکتر بهزاد هاشمی

(عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران)

دکتر سیدبابک فرزانه

ویراستار و صفحه‌آرا: نعیمه درویشی

چاپ اول: ۱۴۰۱

لینوگرافی: صدف

چاپ: مهارت

تیراژ: ۷۷۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۰-۰۸۲-۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰۴ و ۶۶۹۵۳۸۰۵

فروش آنلاین و پشتیبانی سایت: ۶۶۹۵۲۹۹۶

فهرست مطالب

۹		مقدمه مترجمان
۱۱		شرح حال مؤلف
۱۵		مقدمه
۱۹		فصل اول - ادبیات پیروز
۲۰		۱. قرآن
۲۸		۲. شعر تا سه دهه پایانی قرن هفتم میلادی
۳۸		۳. شعر عرب و وضعیت آن تا حدود ۱۰۷ ق/ ۷۲۵ م
۴۳		۴. شعر شامی - عراقی در عصر امویان
۴۸		۵. شعر عاشقانه در دوران اموی: حجاز و تأثیر آن
۵۷		فصل دوم - ادبیات تلاقی فرهنگ‌ها
۵۹		۱. شعر در دوره خلافت عباسیان
۶۱		۲. شعر طرب
۶۳		۳. شعر سنت

۶۷.....	۴. شعر اخلاقی و آیینی
۷۱.....	۵. شعر اُنْدُلُس
۷۶.....	۶. نثر عربی کلاسیک و اوضاع و احوال آن
۷۸.....	۷. ادبیات "ادب"
۸۴.....	۸. ادبیات و "ادب"
۹۱.....	۹. جغرافیا
۹۴.....	۱۰. نثر مسجع
۹۷.....	۱۱. ادبیات عامیانه
۹۹.....	فصل سوم - ادبیات خاطره
۱۰۲.....	۱. دانشنامه نگاری
۱۰۵.....	۲. شکل های بدیع جغرافیا و تاریخ:
۱۰۵.....	ابن بطوطه و ابن خلدون
۱۱۰.....	۳. حکایات و داستان های بلند
۱۱۳.....	فصل چهارم - ادبیات نهضت
۱۱۵.....	۱. مراحل عمده نهضت
۱۱۸.....	۲. ابزارهای بیان
۱۲۶.....	۳. شعر
۱۳۲.....	۴. نثر: رساله ها و تئاتر
۱۳۷.....	۵. نثر: داستان بلند و داستان کوتاه
۱۴۵.....	حرف آخر
۱۴۷.....	نمایه
۱۵۳.....	چکیده کتابشناسی

مقدمه مترجمان

کتاب ادبیات عرب به زبان فرانسه توسط خاورشناس فرانسوی اندره میکل در مجموعه معروف چه میدانم^۱ توسط نشر دانشگاهی فرانسه در ۱۹۶۹م منتشر شد. با توجه به این که این کتاب در یک مجلد نگاهی بسیار تحلیلی و دقیق به ادبیات عرب در همه دوران ادبی از عصر جاهلی تا عصر نهضت افکنده و دربرگیرنده اطلاعات ارزشمندی است مناسب دیدیم به زبان فارسی ترجمه شود تا دانشجویان رشته ادبیات عرب و ادبیات فارسی و نیز دیگر علاقه‌مندان بتوانند به راحتی از آن بهره‌مند شوند. کار ترجمه از زبان فرانسه آغاز شد؛ در میانه راه دریافتیم این کتاب توسط رفیق بن وثاس، صالح حیزم و طیب عشاش به زبان عربی ترجمه و در تونس (۱۹۸۰م) منتشر شده است. با کمک یکی از دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی واحد علوم و تحقیقات به این ترجمه دست یافتیم و این ترجمه را نیز در کار خود با دقت مورد توجه قرار دادیم. در ترجمه آنجا که ضرورت

داشته توضیحاتی در پاورقی افزوده‌ایم علاوه بر این معادل هجری قمری همه تاریخ‌های میلادی در کنار آن نوشته شد تا برای مخاطب فارسی‌زبان قرن‌ها مانوس‌تر باشد و نیز همه اسم‌های خاص دقیقاً شکل‌گذاری شده‌اند تا خواننده در تلفظ درست آن‌ها دچار خطا نگردد. در ترجمه متن که دشواری‌های خاص خود را داشت و از پیچیدگی‌ها و جمله‌های طولانی تهی نبود کوشیدیم امانت را رعایت و تا آنجا که امکان دارد مطالب کتاب با دقت و درست به مخاطب منتقل شود. کار میکِل یک کار کاملاً علمی و دقیق است. شارل پلا (۱۹۱۴-۱۹۹۲) در مقدمه کتاب خود تاریخ زبان و ادبیات عرب^۱ می‌گوید: "این کتاب که به ضرورت موجز نوشته شده سخت پرمحتوا و شگفت است." تاریخ ادبیات میکِل نیاز دانشجویانی را که پیوسته تمایل دارند کتابی کم‌حجم در زمینه مطالعات خود در اختیار داشته باشند و نیز آنان که به دنبال توسعه معلومات خود هستند برآورده می‌سازد. در خاتمه شایسته است از حمایت‌های مدیر فرهیخته انتشارات سخن جناب آقای علمی و ویراستار ارجمند سرکار خانم درویشی صمیمانه تشکر کنیم.

مترجمان

تهران آذرماه ۱۴۰۰

۱. از ترجمه عربی کتاب با عنوان تاریخ اللغة و الآداب العربیة استفاده کرده ایم (دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۷)، ص ۲۰.

شرح حال مؤلف

اندره میکل (۱۹۲۹-۲۰۱۳ م)^۱، خاورشناس فرانسوی و متخصص زبان و ادبیات عرب در ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۹ م در شهر مز (Mèze)، یکی از شهرهای جنوب فرانسه، متولد شد. علاقه او به زبان و فرهنگ عربی حاصل یکی از سفرهایش به مغرب است، سفری که پاداش موفقیت او در کنکور عمومی جغرافیا در سال ۱۹۴۶ م بود، از سوی دیگر آشنایی او با قرآن کریم از طریق ترجمه فرانسوی کلود اتین ساواری^۲، در دل بستگی او به ادبیات کشورهای عربی بی تأثیر نبود. این آشنایی، عشق و علاقه سرشار او را به مشرق زمین برانگیخت؛ از این رو شروع به فراگیری دستور زبان عربی کرد و به تدریج با این زبان آشنا شد؛ پس از ملاقات با رئیس بلاشر^۳، استاد زبان‌های شرقی و متخصص زبان عربی، میکل

1. André Miquel

2. Claude-Étienne Savary (1750-1788).

3. Régis Blachère (1900-1973).

مطالعات خود را در زمینه زبان و ادبیات عرب توسعه داد؛ مأموریت‌های فرهنگی او در کشورهای عرب‌زبان، از جمله مصر، لبنان و سوریه، تسلط او را در این خصوص بیش از پیش نمایان ساخت. میکل نخست تصمیم گرفت رساله خود را در موضوع "سینما و ادبیات در مصر معاصر" بنویسد و برای نیل به این مقصود راهی مصر شد؛ اما در نهایت عنوان رساله خود را "جغرافیای انسانی جهان اسلام تا اواسط قرن یازدهم میلادی" برگزید. از آنجا که زبان عربی معاصر برای او نامأنوس بود به زبان عربی کلاسیک روی آورد؛ که به گمان او گنجینه‌ای بود نهفته در باب تمدن، فرهنگ و آداب و رسوم قوم عرب که اسرار سر به مهر آن همچنان ناشناخته بود، میکل درصدد برآمد تا فرهنگ اصیل و ناب عربی را به جهانیان معرفی کند و هم‌زمان جهان عرب را جهانی باز به روی دنیای بیرون و با تساهل و مدارا نشان دهد. او با این کار نه تنها اروپاییان را با فرهنگ و زبان عربی مأنوس و آشنا کرد، بلکه زمینه را برای نسل جوان عرب‌زبان ساکن این قاره فراهم نمود تا با کندوکاو در فرهنگ بومی و زبان مادری، سایر اقوام را با فرهنگ دیرینه خود آشنا سازد که بتوانند بدون تعصّب و پیش‌داوری، پذیرای روزافزون این تمدن باشند، چه عدم شناخت این آیین و رسوم زمینه را برای هرگونه پیش‌داوری و جزم‌اندیشی فراهم می‌سازد. میکل بیش از ۵۰ سال از عمر خود را صرف تتبع، نگارش و ترجمه در زبان و ادبیات عرب کرد؛ از اشعار قَیس بن ذُرَیج گرفته تا ترجمه هزار و یک شب؛ وی همچنین به تحقیق و ترجمه آثار ادیبانی چون ابوالعتاهیه، ابن زَیدون، ابوفراس حَمدانی، آثار نویسنده مصری نَجِیب مَحفوظ و بسیاری از ادبای عرب همت گماشت. بدون تردید می‌توان گفت که اندره میکل بیش از هر متخصص معاصر فرانسوی در زمینه زبان و ادبیات عربی به تحقیق و پژوهش پرداخت به گونه‌ای که کارهای او با فعالیت‌های خاورشناسان غربی قرن نوزدهم میلادی قابل قیاس است. سابقه درخشان او در امر تدریس و انتشار صدها مقاله و

کتاب در زمینه اسلام دیروز و امروز و زبان و ادبیات عرب وی را به یکی از نخستین اسلام شناسان و متخصصان غربی مبدل کرده است. از ۱۹۷۶ م تا ۱۹۹۷ م میکمل صاحب کرسی زبان و ادبیات عرب کلاسیک در کولژ دو فرانس^۱ بود و از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ م به مدت دو دوره سرپرستی آن را برعهده داشت. او خودزندگی‌نامه‌ای جذاب نگاشته است با عنوان مشرق یک زندگی (۱۹۹۰ م)^۲.

1. Le Collège de France

۲. برای آگاهی بیشتر از زندگی و آثار میکمل رجوع کنید به:

<https://erd-miquel.univ-amu.fr/>

مقدمه

ادبیات عرب با پیشینه‌ای بالغ بر سیزده قرن و با گستردگی حداقل روی دو قاره، خود جهانی است. دانشنامه‌نویسی آلمانی به کوشش کارل بروکلمان^۱ در اثری با عنوان تاریخ ادبیات عربی^۲ تقریباً تمامی ادبیات عرب را گردآوری کرده است؛ این کار در حد یک شاهکار بود، به‌ویژه این‌که مراد او از "تاریخ ادبیات"، ادبیات به معنای بسیار گسترده آن بود و همه تولیدات نوشتاری را شامل می‌شد و نه فقط آثاری که به راحتی می‌توانیم آنها را ادبی وصف کنیم. نخست باید تکلیف خود را با کتاب حاضر مشخص کنیم: این کتاب که محدودتر است، به ادبیات در معنای مشهورتر و دقیق‌ترش خواهد پرداخت: یعنی کتاب‌هایی که در آنها بیان مدلول بدون تحقیق در سطح دال انجام نمی‌پذیرد و عمل نوشتن خود کنشی است از سوی نویسنده.

1. Carl Brockelmann (1868-1956).

2. *Geschichte der Arabischen Litteratur*

تولیدات در زبان عربی، که ما آن را به ادبیات در معنای حقیقی کلمه محصور کردیم، بسیار زیادند. زمانی نسبت به این امر بهتر می‌توان قضاوت کرد که بدانیم می‌توان در مورد یک نویسنده معروف دو، سه یا ده اثر را نام برد که تاریخ پر فراز و نشیب اسلام جز نامی از آنها برای ما حفظ نکرده است، آثار بازمانده از آتش‌سوزی‌ها، لشکرکشی‌ها یا نابودی کتابخانه‌های عمومی و شخصی. همین نقص در مورد نویسنده‌ای خاص چون مسعودی نیز وجود دارد: مسعودی، دانشنامه‌نویسی که در سده ۴ ق/۱۰ م با بهره‌گیری از ذوق و استعداد خود می‌نگاشت و ما او را، تنها از طریق اثری که گزیده دانش آن دوره است می‌شناسیم، آن هم به دو صورت کامل و چکیده. ولی آیا می‌توان از آثار کامل او سخن گفت حال آن‌که آشکارا می‌دانیم دو نسخه‌ای که از آن اثر عظیم به دست ما رسیده، تنها آخرین بخش‌های یک مجموعه بسیار وسیع بوده است؛ یعنی ادامه دو دائرةالمعارفی که بخش اول آن حداقل مشتمل بر سی جلد بوده و تنها یک جلد آن باقی مانده است؟ سی و شش عنوان دیگر در موضوعات مختلف را به این حجم ناشناخته بیافزایید، در این صورت حتی با فرض کشف گنج‌هایی بی‌نام و نشان در گوشه و کنار دنیا، کمبودهای موجود را نسبتاً بهتر درک خواهید کرد. بدون شک تمامی حوادث تلخ خوشبختانه چنین تأثیری نداشته‌اند. با این همه برخی از آنها توانسته‌اند دست‌کم مراحل از تاریخ ادبیات عربی و به‌ویژه زمان پیدایش نثر را بر ما نامعلوم گردانند، اگر نگوییم جنبه‌های گوناگونی از آن به‌راستی ناشناخته است.

حال منظور از واژه عربی چیست؟ بدون شک می‌توان حدس زد که مقصود ما تعریف متهورانه نویسندگان از این کلمه نیست: این تعریف ناقص است؛ زیرا زبان عربی اشاعه دهنده آیینی جهان‌شمول به نام اسلام است، دینی متشکل از همبستگی امت‌های گوناگون، که خویش را در کنار اصولی مشترک، برخوردار از

زبانی یافته که ایده‌آل بشمار می‌رود چراکه پشتوانه وحی است: زبانی که در حال تبدیل شدن به زبان برتر جهانی بی‌تردید به شکل شگفت‌انگیز متنوع بود، جهانی که برگزید به عربی سخن بگوید تا نشان دهد به فرهنگی مشترک تعلق دارد — و می‌خواهد تعلق داشته باشد — که این زبان نشانه آن است. گفتیم فرهنگ: از این نظر که اسلام فراتر از چهارچوب دین است. چراکه در حقیقت این آیین بخشی از زمانه شد و در دل آن به یک تمدن مبدل گشت، در یک حوزه جغرافیایی خاص استقرار یافت، و طرز تفکر یا سبک زندگی آن، علاقه دنیای پیرامونش یعنی علاوه بر مسلمانان، پیروان سایر ادیان الهی چون مسیحیت و یهودیت که مورد تأیید اسلام هستند را به خود جلب کرد. هرچند که پیشرفت‌های زبان عربی به عنوان گسترش‌دهنده دین، ارتباط مستقیمی با شکوفایی پیام قرآنی دارد، واقعیت این است که زبان عربی این بار به عنوان ابزار ارتباطی تمدنی به نام اسلام، تنها به مسلمانان، اگرچه در اکثریت باشند، تعلق ندارد. این که اسلام توانسته است بهتر از دیگر مذاهب به صورت هم‌زمان تداعی‌کننده معنویت و الگوی یک تمدن باشد را مرهون نیرویی است که جدایی‌اش از زمانه را ناممکن ساخته است. اسلام اصرار دارد در سطح اعتقادی محض و نیز دیگر جنبه‌های زندگی روزمره یا سیاسی یعنی همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی حضور داشته باشد. قدرت این نفوذ، در این پدیده بزرگ آشکار می‌شود که دست‌کم تا دوران معاصر، اغلب آثار مکتوب به زبان عربی به‌ویژه در قالب نثر، منعکس‌کننده دغدغه‌های اصلی دینی یا انشعاب یافته از دین، بیان ملاحظات سیاسی، زبانی، دینی، فقهی و غیره بوده که مهور به مهر تأیید اسلام‌اند و اسلام به واسطه آرمان‌هایی که منادی آن است، شکل‌هایی که متناسب با مکاتب فکری پذیرفته، واکنش‌هایی که برانگیخته، مبارزاتی که در طول تاریخ درگیر آنها بوده و مورد حمایت قرار داده، بر آن آثار تأثیر

گذاشته است. حضور یا عدم حضور اهداف ادبی در این آثار تأثیر چندانی بر وضعیت کلی نمی‌گذارد: موضوع خواه معارضه، تفسیر، توضیح و یا دفاع باشد، ادبیات عرب در معنای وسیع و دقیق کلمه، غالباً و گاه حتی در شعر، یک ادبیات مبارزه است که ما امروز آن را "ادبیات متعهد" می‌نامیم.

فصل اول

ادبیات پیروز

ادبیات عرب، در کنار پیروزی اسلام، تا میانه سده ۲ ق/م، ادبیات پیروز است. زبان عربی که پیش‌تر در سرزمین اصلی خود، شبه‌جزیره عربستان، محدود بود از این پس پا را از مرزها فراتر گذاشته و همگام با مبارزان آیین جدید در امپراطوری پهناوری که از دهانه‌های رود سند تا اسپانیا امتداد داشت، منتشر شد. این گسترش جغرافیایی کار خود را در عرصه زبان عربی به سه شیوه انجام داد: نخست پدیده بزرگ زبان و ادبیات عرب را که چیزی جز قرآن نبود در همه‌جا رواج داد. همچنین با خود عادات و رسوم پیشین یعنی شعر کهن شبه‌جزیره عربستان را استمرار بخشید، که درون‌مایه‌های آن، با اندکی تغییر، تقریباً بر تمامی مضامین ادبیات غیرآیینی آن دوره چیره شده بود. و سرانجام با فراهم کردن مقدمات تماس‌های آینده میان میراث عربی با میراث‌های بیگانه، راه را برای آغاز تلاش‌های

گسترده در جهت جستجو و ثبت و ضبط میراث دیرینه عربستان در تمامی عرصه‌های سنت، تاریخ، ضرب‌المثل و فرهنگ‌نویسی گشود.

۱. قرآن

قرآن از نظر تاریخی نخستین اثر ادبیات عرب نیست، و شعر از آن کهن‌تر است. دو دلیل ما را وامی‌دارد نخست از قرآن آغاز کنیم. از یک‌سو، هرچند که مرحله ابتدایی شعر کهن عرب در حقیقت پیش از نزول قرآن آغاز شد، با این وجود تا حدود ۵۰ ق/۶۷۰ م، یعنی تقریباً ۴۰ سال پس از وفات پیامبر اسلام (ص)، تداوم پیدا کرد، بدون آن‌که در اساس تحت تأثیر مضامین آیین نوظهور قرار گیرد. از دیگر سو، قرآن چه به لحاظ اهمیت ذاتی و چه به دلیل نتایجی که به دنبال داشت، نخستین اثر ادبیات عربی، بنای باشکوه و آینه تمام‌نمای آن است، بنابراین بهتر است که نقطه آغاز باشد. قرآن شروع تاریخی بلندمدت، یعنی تاریخ اعراب و اسلام است، که بی‌تردید حوزه آن از تاریخ خاص ادبیات عرب - و البته تفسیر آن - بسی فراتر می‌رود. در خصوص این چهارچوب کلی شما را به کتابی که در همین مجموعه به چاپ رسیده است، ارجاع می‌دهیم.^۱

از نگاه اسلام قرآن یک اثر بشری نیست. بلکه میان سال‌های (۶۱۱-۶۳۲ م) از سوی جبرئیل بر پیامبر اسلام (ص) نازل شد. قرآن کتابی است برخاسته از یک الگوی راستین الهی که به زبان عربی است؛ این زبان برگزیده شده است چراکه توانایی کامل انتقال مفاهیم قرآن را به صورت شفاف داراست. در زمان حیات حضرت محمد (ص)، کلام وحی تنها صورتی شفاهی داشت، و به صورت مستقیم از زبان پیامبر (ص) که پاسدار و منادی آن میان انسان‌ها بود، اخذ می‌شد و ضرورت‌های تبلیغ اصول دین و استقرار امت جوان اسلامی مراجعه بدان

را می‌طلبید. ولی در همان زمان، اصحاب و مخاطبان پرشور قرآن شروع به نگارش آن روی مواد در دسترس کردند. خوشا به حال اسلام و جامعه‌ای که در حال تأسیس آن بود! با درگذشت حضرت محمد (ص) و خشکیدن سرچشمه‌ای که اسلام اصول اعتقادی خود را به طور مستقیم از او دریافت می‌کرد، باید انقراض نسل‌های هم عصر با پیامبر (ص) و تولد عصرهای جدید را پیش‌بینی کرد، و نیز از فراموشی و محو تدریجی کلام خداوند از حافظه‌ها واهمه داشت. اما تدوین نهایی قرآن دغدغه دیگری بود: دستیابی به یک متن واحد و مورد اتفاق که بدون استثنا مقبول جامعه باشد. نام خلیفه سوم، عثمان، با این کار قرین گشت؛ تدوین نهایی متن قرآنی که امروزه مسلمانان آن را می‌خوانند به دوران او (۲۳-۳۵ ق/۶۴۴-۶۵۵ م) بازمی‌گردد.

قرآن شامل ۱۱۴ سوره است، سوره‌هایی که از لحاظ گستردگی و مضمون مشابه نیستند، و هرکدام شامل چندین آیه‌اند. نخستین آنها سوره حمد است که معادل "دعای ربّانی" است و بیش از دیگر سوره‌ها به‌ویژه در مناسبت‌های برجسته زندگی تلاوت می‌شود. پس از حمد، سوره‌ها بر اساس یک ترتیب کاهشی از نظر حجم، پی‌درپی به دنبال هم قرار می‌گیرند، این چیدمان خود عکس ترتیب تاریخی نزول سوره‌ها است، سوره‌های کوتاه‌تر که در پایان قرآن قرار گرفته‌اند، نخستین سوره‌های تاریخ وحی‌اند.

پژوهش متن قرآنی، در تفصیل این تاریخ سخت پیش رفته است و چهار مرحله را در آن از یکدیگر باز می‌شناسد: سه مرحله در مکه و یک مرحله در مدینه پس از هجرت یعنی نخستین سال تاریخ اسلام (۱ ق/۶۲۲ م).

نخستین سوره‌های مکی، کوتاه، نافذ و کاملاً سرشار از تأثیر آتی کلام وحی بود که نیروی بدیعی را به زبان قرآن می‌بخشد؛ موضوع اصلی این سوره‌ها، فرارسیدن روز قیامت، برانگیخته شدن دوباره انسان‌ها و روز داوری است: بهشت

خرم، سرسبز و انواع لذت‌ها از آن برگزیدگان و آتش دوزخ، تشنگی و عذاب الهی از آن گنهکاران است. این سوره‌های سخت‌آهنگین و موزون، سرشارند از یاد خدا، دعوت به اسلام، آنچه بر اندیشه مستولی می‌شود، نیز تشویق و تصاویر رویایی. در این سوره‌ها هنوز اشاره‌اندکی به خدای یکتا شده است و بیشتر به هشداری خطاب به قومی گمراه شباهت دارند.

مرحله دوم سوره‌های مکی که از تنوع بیشتری برخوردارند، پرده از شکافی میان آیین نوظهور اسلام و مشرکان مکه برمی‌دارند که هر روز عمیق‌تر می‌شود. اینجاست که سخن از وحدت خداوند و نقش محمد (ص) پررنگ‌تر و آشکارتر می‌گردد، پیامبری که مبعوث شده بود تا مشرکان را از وقوع قیامت آگاه سازد. اما این بار حتی وصف قیامت جای خود را به مفاهیم دیگری داد چون یادآوری سرنوشت اقوامی که به سبب کفر به عذاب الهی گرفتار شدند و انتقاد از جامعه مکی که ندای پیامبر (ص) را نشنیدند. کلام وحی خود را با این مضامین جدید وفق داد و حوزه‌های گسترده‌تری را در برگرفت، اما از لحاظ وزن و آهنگ غنای کمتری داشت؛ با این حال تصویر خدای اسلام به تدریج آشکارتر شد: او رحیم، قادر مطلق، رحمان، علیم و حکیم بود.

اما در سال‌های پایانی حضور در مکه بیست و دو سوره نازل شد، که در قیاس با سوره‌های پیشین متنوع‌تر بودند، چه آیات نازل شده بعدی به ابتدا یا انتهای آنها اضافه گردید. این سوره‌ها سوره‌های دوره گذار بودند، که در دل سوره‌های مرحله دوم جای می‌گرفتند: تهی شدن از وصف مناظر قیامت و خصومت فزاینده مکیان در آنها آشکارتر می‌شد. اما هم‌زمان اسلوب‌های نوین دعوت، که تا آن زمان رواج چندانی نداشتند، از قبیل کاربرد تمثیل که غالباً کوتاه و مختصر بود و وصایای اخلاقی که بیانگر شروع تحول جامعه کوچک نخستین و خودانگیخته مسلمانان

به سوی اجتماعی گسترده‌تر به شمار می‌رفت، جامعه‌ای که بدین اعتبار قوانین اخلاقی و حقوقی را بنا نهاد. گرایش‌های ساختاری که در سوره‌های پیشین ملاحظه کردیم بیش‌ازپیش استوار گردید؛ لحن کلام رساتر شد و سخن آهنگین جایگاه خود را به داستان‌های پیوسته سپرد.

با شروع دوره دوم و ورود اسلام به مدینه تمامی این صور تبلور پیدا کرد، جامعه اسلامی استقرار یافت و صاحب تشکیلات شد. مبارزات و پیروزی اسلام در این مرحله اخیر از تاریخ آشکار می‌شود. بیست و چهار سوره قرآن، که غالباً از سوره‌های طولانی هستند، و بلافاصله بعد از سوره فاتحه قرار گرفته‌اند، از احکام قضایی یا اشاراتی به وقایع زمان، سرشارند. اما این سوره‌ها حاوی مطالبی به منظور ترغیب مسلمانان و نیز داستان‌های قرآنی بود که به پند و اندرز گرایش آشکار داشتند؛ طولانی بودن آیات این گرایش را تقویت می‌کرد و به‌کارگیری محدود فواصل ویژگی ممتاز و منحصر به فرد لازم را بدان‌ها می‌بخشید.

این بعد تاریخی و نقد قضیه بود. هرچند نباید فراموش کرد که قرآن برای مسلمانان به مثابه یک مجموعه مقدس است، که از عالم غیب بر پیامبر (ص) نازل شده است، حتی چنینش آن نیز مربوط به جهان مادی نیست. از این‌رو در تحلیل نهایی، باید به صورت یک مجموعه آن را مورد قضاوت قرار داد و به صورت کلی نتایج چشمگیر آن را در نظر گرفت، همان‌که رئیس بلاشرا^۱ "رویداد قرآنی"^۲ نامید.

در صورتی که بحث خود را تنها به سطح ادبی محدود کنیم، همان‌طور که هدف این کتاب است، نخست باید حقیقتی را پذیرفت و آن این‌که: قرآن نه تنها

1. Régis Blachère

2. Le fait coranique

شاهکار ادبیات عرب است، بلکه این ادبیات تا حد زیادی هستی خود را از آن می‌گیرد. نه به این علت که قرآن تمدنی را در جهان رواج داد که ادبیات عرب معرف آن بود، بلکه اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم آیینی که این کتاب آسمانی در بطن خود داشت سرچشمه بسیاری از نحله‌های فکری بود که نویسندگان عرب در آن درخشیدند. البته صرف‌نظر از دانش حقوق و علم حدیث که جزئی از این ادبیات عظیم در معنای وسیع کلمه بود. اینک درباره فقه اللغة (فیلولوژی) که برای جستجو در خصوص واژه‌ها و قواعد زبان برگزیده وحی پدیدار شده و ابزار واقعی این ادبیات است، چه می‌توان گفت؟ مخصوصاً درباره تاریخ چه می‌توانیم بگوییم؟ تاریخی که مهد استعدادها و آبشخور آن اخبار زندگی پیامبر اسلام (ص) است، نخست در شکل بلندپروازانه‌اش یعنی تاریخ جهان، تلاش می‌کند تا وقایع تاریخ اسلام را در مرکز تحولات عالم قرار دهد.

اما نتایج دیگری هم هستند که به همان میزان از اهمیت برخوردارند؛ از نظر زبان‌شناسی، قرآن کریم به منزله موفقیت زبان عربی تلقی می‌شود. اما کدام زبان عربی؟ از میان تمامی گویش‌های شناخته شده در شبه جزیره عربستان، و در میان دو خانواده بزرگ زبان‌های شمال و جنوب، قرآن با طرد هریک از گویش‌ها در معنای دقیق کلمه، به منظور نشر و اشاعه آیین جدید به گونه‌ای قابل فهم و شکوهمند، زبانی را برگزید که شعرای پیش از اسلام آن را بکار می‌بردند، در واقع می‌توان گفت، آن گونه‌ای زبان مشترک^۱ ادبی است که در اصل چه بسا گویش مربوط به یک حوزه جغرافیایی محدود بود که در هر حال پیش از ظهور اسلام به سطح یک زبان مشترک شاعرانه ارتقاء یافت، و دامنه آن از مرکز و شرق عربستان بیشتر به جانب شمال تا حاشیه دشت‌های مرتعی سوریه و بین‌النهرین، پیشرفت

کرده بود. قرآن در کنار رواج دوباره این زبان، تمام آیه‌ت و اعتبار خود را در گرو پیشرفت آن نهاد؛ از این رو این زبان که شکل تکامل یافته شعر پیش از اسلام است، و وحی آن را تأیید کرد، به زبان عربی فصیح، یا چنانکه گفته می‌شود عربی "نوشتاری": یا به عبارت دیگر همان زبان ادبی که مورد نظر ماست، تبدیل گردید.

سرانجام قرآن نقش اساسی را در تعیین سلیقه ادبی ایفا کرد. روشی که قرآن در استفاده از یک زبان شاعرانه در پیش گرفت و اقتداری که بدان بخشید به معنی ایجاد چندین سطح در ارتباطات بود و این امر بیش از هر فرهنگ دیگری شکاف میان زبان ادبی و زبان محاوره، میان ادبیات و گویش، و سرانجام بین ادبیات مکتوب و ادبیات عامیانه را افزایش داد. ولی موضوع به همین ختم نمی‌شود: از آنجا که زبان قرآن نوعی زبان شاعرانه است، ساختارهای سبک‌شناسی که در آن به کار رفته تداعی‌کننده ساختارهای متداول آن زمان است: نثر آهنگین (سَجْع) برای پیشگو (کاهن)، شخصیت کلیدی قبیله جاهلی، آشنا بود. مخالفان پیامبر (ص) از همه اینها علیه او سلاحی ساختند و آشکارا عنوان‌هایی چون کاهن یا شاعر به ایشان نسبت دادند.

نقد آنان بر پیامبر پیش‌پاافتاده و دور از حقیقت بود: تازگی رسالت قرآن، بداعت، سبک و وسعت آن هیچ‌گونه سنخیتی با بیهوده‌گویی‌های چند کاهن و پیشگو نداشت، درحالی‌که ماهیت خودانگیخته^۱ کلام حق که تنها متأثر از الزامات وحی بود، افزون بر وزن و قافیه مرتبط با این خودانگیختگی، سبب ایجاد تفاوت بنیادی میان قرآن با شعری می‌شد که گرفتار ساختارهای عروضی خشک و پیچیده بود.

اسلام عامدانه این فاصله دوگانه را بیشتر کرد: در حقیقت اسلام که به اصول

خود وفادار بود، مقرر کرد که هیچ شباهتی میان زبان قرآن و سایر زبان‌ها وجود ندارد، چه زبان قرآن به عنوان زبان اول، دارای موقعیتی متعالی است. اتفاق نظر مسلمانان در خصوص اعجاز یا تقلیدناپذیری قرآن از این تصریح نشأت می‌گیرد، و نتایج آن در عرصه ادبیات بسیار چشمگیر ظاهر می‌شود.

در دوره جاهلی پیش از ظهور اسلام و هم‌زمان با پیدایش این آیین مقدس، شعر به عنوان هنری ناسوتی تلقی می‌شد، و آیین جدید خشک و سخت‌گیرانه به آن می‌نگریست، و علاوه بر آن شعر را سرچشمه اتهاماتی می‌دانست که به پیامبر اسلام (ص) نسبت داده بودند. وضعیت شعر در هردو صورت محکومیت و یا عدم محکومیت، نامطلوب بود. قلمرو، شیوه بیان و قواعدش با قرآن بسیار متفاوت بود. شگفت این‌که برعکس، نثر شرایط دشوارتری داشت. نگاه تردیدآمیز به سجع نتیجه حملات علیه پیامبر (ص) بود، البته یک مجموعه سازوکارهای پیچیده دیگر این امر را تقویت کرد از جمله: استفاده قرآن از نوعی نثر، خواه آن را سجع بخوانیم یا خیر، که در آن اوزان و طنین آواها نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کردند، و به موازات آن وجود اعتقاد راسخ به تقلیدناپذیری این نثر به منزله اعلام وجود یک الگوی بیان بود و اقرار پیشاپیش به این‌که هرگونه تلاشی در راستای رقابت با آن نه تنها منتهی به شکست است بلکه کفرآمیز بشمار می‌رود.

بنابراین در این اوضاع و احوال چگونه می‌توان شگفت‌زده شد که نثر مسجوع می‌بایست مدت‌ها، یعنی حدود سه قرن، در انتظار بماند تا این‌که بتواند واقعاً آزادی عمل پیدا کند، آن هم در سرزمین‌هایی مانند عراق و به‌ویژه ایران که در آنها گونه‌ای نوگرایی وجود داشت که زائیده درآمیختن اقوام و فرهنگ‌ها بود و به از بین بردن تدریجی دل‌نگرانی‌های دیرین کمک می‌کرد؟ از سوی دیگر چگونه باید تعجب کرد از اینکه نثر، هنگامی که خواست به خود بپردازد و همچون هر صورت

هنری دیگر تنها برای خود باشد، به صورت غریزی به الگوهای شبیه به شعر^۱ متوسل شد که در سطوح متفاوت هم از ویژگی خاص زبانی که نظام ریخت‌شناسی آن سخت بر ترکیب‌های آوایی اتکا داشت، الهام می‌گرفت و هم از نمونه‌های والا و آرمانی قرآن، و مآلاً مُلهم از سنت‌های فرهنگی که در آن حافظه الف‌ت گرفته با حفظ شعر و متون مقدس و نیز مصرف‌کنندهٔ آساند آوایی، از جایگاه پراهمیتی برخوردار بود؟

به این ترتیب، هنگام ظهور اسلام، با نگاهی به آینده، می‌توان سه احتمال یا سه سطح فراروی نثر عربی متصور شد: یا خود را صرفاً محدود به ثبت نوشتاری اندیشه‌ها می‌کرد، فارغ از هرگونه بلندپروازی ادبی، که در این حالت تبدیل به ابزاری می‌شد که می‌توان آن را ابزار فنی نامید: ابزاری در دست عالمان، زبان‌شناسان، فقیهان، محدثان و دیگر افراد صاحب‌نظر. یا این‌که در اساس به صورت یک ابزار آموزشی درمی‌آمد، و هدف آن این بود که علوم و مسائل مورد بحث این کارشناسان را در اختیار جماعتی فرهیخته و نسبتاً زیاد قرار دهد: این امر موضوع ادبیات موسوم به ادب است که آن را مورد بحث قرار خواهیم داد. در این مرحله نثر ممکن است از برخی دغدغه‌های سبک‌شناسی تهی نباشد، اما با ابلاغ رسالت مرتبط خواهد ماند: گزینش واژه مناسب، وضوح و سادگی بیان، و گاه اندکی مایه بلاغت. این جذابیت کلی و ویژگی بارز یک چنین ادبیاتی بود، که گاه از پناه بردن به انواع توازن آهنگین یا ریتم آوایی خودداری نمی‌کرد. و سرانجام، آنچه ما می‌توانیم آن را هنر برای هنر بنامیم، یعنی نثر درخشانی^۲ که همه‌چیز را منقاد تأثیر و موسیقی می‌دانست. شاید تقسیم‌بندی عمده نثر عربی کلاسیک به این

1. Parapoétique

2. Prose scintillante

ترتیب بوده است: سجع مفقود^۱، سجع محجوب^۲ و سجع صریح^۳. بدون شک این تعاریف کلی است، اما در هر حال، یکبار دیگر این امکان را به ما می‌بخشد تا چهارچوب کلی بحث خود را مشخص‌تر کنیم: و توضیح دهیم که دو گونه اخیر اساساً آبخور ادبیات در معنای موردنظر ما است.

۲. شعر تا سه دهه پایانی قرن هفتم میلادی

شعر کهن عربی که برترین ابزار ادبیات غیرآیینی بود، همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، بلافاصله تحت تأثیر مضامین آیین نوظهور اسلام قرار نگرفت. نخستین تاریخی که از آن می‌شناسیم، این است که این شعر برعکس، بدون دگرگونی وسیع، از تحولات عظیم سیاسی که در جهان رخ داده عبور می‌کند: به این مناسبت سرزمین عربستان به طور گسترده، کماکان تنها منبع الهام شاعرانش بود و آینده از جمله آینده خود شعر، در خارج از آن شکل می‌گرفت. پیش از هر چیز ما شاهد فتوحات اسلامی و توسعه اسلام و تأسیس نخستین شهرهای امپراطوری جدید بودیم: بصره و کوفه در عراق، القسطنط (که بعدها قاهره نام گرفت) در مصر، و آغاز عربی شدن بخش‌های وسیعی از خاور نزدیک مانند مصر، سوریه و عراق؛ و سرانجام شروع خلافت امویان در ۴۱ ق/۶۶۱ م با مرکزیت دمشق، فصل نوینی را در تاریخ و فرهنگ عربی رقم زد.

تا پیش از ظهور اسلام، قلمرو عربستان از شمال به سمت دشت‌های مرتعی سوریه و بین‌النهرین گسترش یافته بود. در آن‌جا ممالکی به وجود آمد که تابع دو دولت بزرگ آن زمان بودند و به نفع آن دولت‌ها از مرزها محافظت می‌کردند: در

1. Inexistant

2. Discret

3. Résolu